

﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ﴾



❖ الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ

به عبارتهای زیر توجه کنید:

« رَجَعَ الْمُسَافِرُونَ مِنَ السَّفَرِ. » مسافران از سفر برگشتند.

« يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ. » خداوند گناهان را می بخشد.

همانگونه ملاحظه نموده اید عبارتهای مزبور با « فعل » شروع شده است.

✓ در زبان عربی به جمله ای که با « فعل » شروع شده باشد « جمله فعلیه » می گویند.

به عبارت دیگر هر جا « فعل » هست از همانجا « جمله فعلیه » شروع می شود.

تعریف فعل: فعل کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت کند.

✓ هر جمله فعلیه ای به « فاعل » نیاز دارند.

« فاعل » اسمی است که در درون فعل یا بعد از فعل می آید و بر انجام کاری یا داشتن حالتی یا صفتی دلالت می کند.

برای تعیین « فاعل » می توانیم سؤال « چه کسی » و « چه چیزی » را در برابر « فعل » قرار دهیم و جوابی که بدست می آید معمولاً « فاعل » جمله است.

در عبارت اول می پرسیم « چه کسانی برگشتند؟ » و پاسخ داده می شود: « مسافران » بنابر این کلمه « الْمُسَافِرُونَ » ، « فاعل » است.

و در عبارت دوم می پرسیم « چه کسی می بخشد؟ » و پاسخ داده می شود: « خداوند » بنابر این کلمه « اللَّهُ » ، « فاعل » است.

✓ برخی از أفعال علاوه بر « فاعل » به « مفعول » هم نیاز دارند که غالباً در جمله ذکر می شود.

« مفعول » اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن واقع می شود.

برای تعیین « مفعول » می توانیم سؤال « چه کسی را » و « چه چیزی را » را در برابر « فعل » قرار دهیم و جوابی که بدست می آید معمولاً « مفعول » جمله است.

در عبارت اول می پرسیم « چه کسی را برگشتند؟ » ، « چه چیزی را برگشتند؟ » و پاسخی داده نمی شود؛ لذا در این جمله به « مفعول » نیازی نیست.

و در عبارت دوم می پرسیم « چه کسی را می بخشد؟ » ، « چه چیزی را می بخشد؟ » و پاسخ داده می شود: « گناهان را » لذا کلمه « گناهان » ، « مفعول » جمله است.

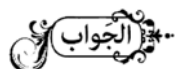
نکته: اگر به دنبال فعلی ضمیر متصل « هُ ، هُما ... » بیاید این ضمیر « مفعول » آن فعل است که معمولاً قبل از فاعل می آید؛ مانند ضمیر « كَ » در عبارت « شَاهِدَكَ الْأُسْتَاذُ فِي الْمَلْعَبِ. » استاد تو را در ورزشگاه مشاهده کرد.

۹۰- مَيِّزَ الْجُمْلَةَ الَّتِي لَيْسَتْ فِعْلِيَّةً:



(أ) تُحَوِّلُ الْأَسْمَاكَ الْمُضِيئَةَ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ . (ب) إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحَ طَبِيِّ دَائِمٍ.

(ج) تَسْتَطِيعُ الْبَوْمَةُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً. (د) تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.



السؤال

۹۱- مَيِّزِ الْعِبَارَةَ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا « الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ » أَكْثَرَ:

(أ) ﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ﴾

(ب) الْمَرَاقِ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي مَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ.

(ج) ذَهَبْتُ سَمِيَّةً إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرْتُهَا بِمَا شَاهَدْتُ.

(د) يَحْدُثُ سَنَوِيًّا « مَطَرُ السَّمَكَ » فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهُندُوراس فِي امْرِيكَا الْوُسْطَى.

الجواب

همانگونه بیان شد برای تعیین جمله فعلیه باید نسبت به فعل شناخت داشته باشیم و هر فعلی می تواند یک جمله فعلیه باشد. در گزینه « ا » دو فعل وجود دارد، اعتصموا و لا تفرقوا، در گزینه « ب » یک فعل وجود دارد،

تمتلك، در گزینه « ج » سه فعل وجود دارد، ذهبت، اخبرت و شاهدت، در گزینه « د » یک فعل وجود دارد،

يحدث، بنابر این گزینه صحیح گزینه « ج » است.

السؤال

۹۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَعْيِينِ الْفَاعِلِ:

(أ) عَلَّمَ اللَّهُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا. (فاعل: الله)

(ب) لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ. (فاعل: السَّيِّئَةُ)

(ج) تَنْمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. (فاعل: الشَّجَرَةُ)

(د) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ إِدَارَةَ عَيْنِهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ. (فاعل: الْحِرْبَاءُ)

الجواب

۹۳- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي تَعْيِينِ الْمَفْعُولِ:

(أ) ﴿ وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴾ (مفعول: أَحَدًا)

(ب) ﴿ وَ قَالَ اللَّهُ لَاتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ ﴾ (مفعول: إِلَهَيْنِ)

(ج) الْمَرَاقِ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي مَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ. (مفعول: الدَّوْلَةُ)

(د) يُحَدِّثُ الْغُرَابُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطْرِ. (مفعول: الْحَيَوَانَاتِ)

الجواب

۹۴- مَا هُوَ الْفَاعِلُ فِي «أَخَذْتَنِي الْغَفْلَةَ؟»

(سراسری تجربی ۷۵)

(أ) الْغَفْلَةُ (ب) يَاء (ج) ت (د) هِيَ الْمُسْتَتِر

الجواب

یکی از مواردی که مفعول می تواند بر فاعل مقدم شود این است که مفعول ضمیر باشد که در جمله فوق این اتفاق افتاده است و ضمیر « ياء » مفعول است و « ت » در « أَخَذْتُ » علامت تأنیث و زمانی که فاعل اسم باشد ضمیر مستتر (پنهان) جایگاهی ندارد، لذا جواب سؤال گزینه « ا » است.

السؤال

۹۵- مَيِّزُ ضَمِيرِ « نَا » مَفْعُولًا:

(سراسری انسانی ۷۵)

(أ) تَعَلَّمْنَا أَنَّ النَّمِيمَةَ مَذْمُومَةٌ.

(ب) عَلَّمْنَا أَنْ لَا نَتَكَلَّمَ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

(ج) عَلَّمْنَا أَنَّ النَّجَاةَ فِي الصِّدْقِ.

(د) عَلَّمْنَا أَنْ لَا نَظْلَمَ أَحَدًا.

الجواب

اگر به فعلهای گزینه های مزبور نگاه کنیم می بینیم که همه آنها فعل ماضی است، یک قاعده ای در اتصال ضمیر « نا » به فعل ماضی هست و آن اینکه اگر قبل از ضمیر « نا » حرف ساکنی باشد آن ضمیر فاعل ، و

چنانچه قبل از ضمیر « نا » حرف متحرک باشد آن ضمیر مفعول می باشد. بنابر این ضمیر « نا » در گزینه

دوم (عَلَّمْنَا) مفعول جمله است.

حال به این عبارتها توجه کنید:

« الْمُسَافِرُونَ رَجَعُوا مِنَ السَّفَرِ. » مسافران از سفر برگشتند.

« اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ. » خداوند گناهان را می بخشد.

عبارتهای مزبور با چه نوع کلمه ای شروع شده است؟

همانگونه ملاحظه نموده اید عبارتهای مزبور با « اسم » یعنی کلمات « المسافرون » و « الله » شروع شده است.

✓ در زبان عربی به جمله ای که با « اسم » شروع شده باشد « جمله اسمیه » می گویند.

✓ « جمله اسمیه » دارای دو رکن است: « مبتدا و خبر »

✓ « مبتدا » اسمی که معمولاً در اول جمله می آید تا راجع به آن خبر داده شود؛

مانند « الْمُسَافِرُونَ » در جمله اول و « اللَّهُ » در جمله دوم.

✓ و « خبر » کلمه یا کلماتی که معمولاً پس از مبتدا می آیند و با توضیح دادن معنای مبتدا را کامل می کنند؛

مانند « رَجَعُوا » در جمله اول و « يَغْفِرُ » در جمله دوم.

✓ « مبتدا و خبر » تقریباً همان « نهاد و گزاره » در دستور زبان فارسی اند.

سؤال چرا کلمات « الْمُسَافِرُونَ » و « اللَّهُ » در جمله های اسمیه فاعل به حساب نمی آیند با وجود اینکه

در برابر سؤال « چه کسی را » پاسخ داده می شوند و انجام دهنده کار هستند؟

جواب یکی از شروط اسمیهایی که در موقعیت فاعل قرار می گیرند این است که به دنبال فعل بیایند؛

لذا اگر اسمی قبل از فعل بیاید، با وجود داشتن ویژگیهای فاعل، فاعل محسوب نمی گردد.

✓ « خبر » مبتدا می تواند یک جمله فعلیه باشد؛ مانند عبارتهای مزبور؛

یعنی عبارت « الْمُسَافِرُونَ رَجَعُوا مِنَ السَّفَرِ. » و عبارت « اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ. » که هر یک از جمله ها

به تنهایی دو عبارت محسوب می شوند:

۱- جمله اسمیه (مبتدا + خبر + ...): (الْمُسَافِرُونَ + رَجَعُوا + ...) ، (اللَّهُ + يَغْفِرُ + ...)

۲- جمله فعلیه (فعل + ...): (رَجَعُوا + ...) ، (يَغْفِرُ + ...)

اگر قبل از مبتدا و خبر و همچنین فاعل و مفعول، اسم اشاره بیاید، اسم اشاره در محل اعرابی آنها

قرار خواهد گرفت؛ مانند: تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً. (فاعل: هَذِهِ)

✓ گاهی مبتدا و خبر و همچنین فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند که به دنبال آنها می آید

و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

« يَزْرَعُ الفَلَّاحُ المُمَجِّدُ أشجارَ التُّفَاحِ. »

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

« صُدُورُ الأحرارِ قُبُورُ الأَسْرارِ. »

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

❖ فن ترجمه

فعل مضارع همراه با حرف « أَنْ » به صورت مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می شود؛ مانند:

﴿ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ﴾ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟

✓ توجه: حرکت آخر مضارع اخباری معمولاً حرکت ضمه (ُ) است که با آمدن حرف « أَنْ » بر سر آن

به حرکت فتحه (-) تبدیل می شود؛ مانند:

يَسْمَعُ (مضارع اخباری): می شنود ← أَنْ يَسْمَعَ (مضارع التزامی): که بشنود

همچنین می توان فعل مضارعی که با حرف « أَنْ » می آید را به صورت مصدری ترجمه کرد؛ مانند:

« أَحِبُّ أَنْ أتعَلَّمَ اللُّغَةَ العربِيَّةَ » دوست دارم که زبان عربی را بیاموزم. = آموختن زبان عربی را دوست دارم.

السؤال

- ۹۶- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أَشِيرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ:
 (أ) يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. (مفعول)
 (ب) ﴿ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴾ (خَبَرَ)
 (ج) اَلْتَّلُجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ. (مُبْتَدَأُ)
 (د) حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً. (فَاعِلٌ)

الجواب

السؤال

- ۹۷- عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَةِ الَّتِي أَشِيرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ:
 « تَسْتَطِيعُ الْبُومَةُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا. »
 (أ) الْفَاعِلِ (ب) الْمَفْعُولِ (ج) الْمُبْتَدَأِ (د) الْخَبَرِ

الجواب

السؤال

- ۹۸- عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَةِ الَّتِي أَشِيرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ:
 « يَسْتَطِيعُ الْعَوَاصِفُ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ بَعْضِ الْأَسْمَاكِ. »
 (أ) الْفَاعِلِ (ب) الْمَفْعُولِ (ج) الْمُبْتَدَأِ (د) الْخَبَرِ

الجواب

السؤال

- ۹۹- عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَةِ الَّتِي أَشِيرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ:
 « النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا. »
 (أ) الْفَاعِلِ (ب) الْمُبْتَدَأِ (ج) الْخَبَرِ (د) الصِّفَةِ

الجواب

السؤال

- ۱۰۰- مَا هِيَ الصِّفَةُ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:
 « لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا. »
 (أ) الْقِطُّ (ب) مَمْلُوءٌ (ج) سَائِلًا (د) مُطَهَّرًا

الجواب

السؤال

- ۱۰۱- مَا هُوَ الْخَبَرُ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:
 « الْأُمَهَاتُ الْمُؤْمِنَاتُ يُعَلِّمْنَ أَوْلَادَهُنَّ حُبَّ الشَّهَادَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: »
 (أ) الْمُؤْمِنَاتُ (ب) حُبَّ الشَّهَادَةِ (ج) فِي سَبِيلِ اللَّهِ (د) يُعَلِّمْنَ

الجواب

جمله مزبور با اسم شروع شده است بنابر این کلمه « الأمهات » مبتدا است و کلمه « المؤمنات » ویژگی آن را بیان می کند، که صفت برای کلمه « الأمهات » است و در ادامه جمله فعلیه « يُعَلِّمْنَ » در باره آن خبر می دهد لذا جواب صحیح گزینه « د » است.

السؤال

۱۰۲- عَيَّنَ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَةِ الَّتِي أَشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

« الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ. »

(أ) الْفَاعِلُ (ب) الْمُبْتَدَأُ (ج) الْخَبَرُ (د) الصِّفَةُ

الجواب

السؤال

۱۰۳- عَيَّنَ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَةِ الَّتِي أَشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

« إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ. »

(أ) الْفَاعِلُ (ب) خَبَرُ (ج) الصِّفَةُ (د) مُضَافٌ إِلَيْهِ

الجواب

السؤال

۱۰۴- عَيَّنَ الْجُمْلَةَ الْأَسْمِيَّةَ:

(أ) إَعْطِنِي عَلَى الْمَرْضَى وَ أَنْتِ مُمْرِضَةٌ!

(ب) إِرْفَعْ قِيَمَتَكَ بِالتَّوَّاضُعِ لِلْآخَرِينَ!

(ج) أَكْمِلْ جُودَكَ بِبَدَلٍ مَا عِنْدَكَ!

(د) أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكَ هُوَ الصَّدْقُ!

(سراسری فنی و حرفه ای ۹۲)

الجواب

در گزینه « ا » « إَعْطِنِي » ، در گزینه « ب » « إِرْفَعْ » و در گزینه « ج » « أَكْمِلْ » فعل امرند بنابر این سه گزینه مذکور جمله فعلیه هستند و در گزینه « د » « أَفْضَلُ » اسم است لذا جمله گزینه « د » جمله اسمیه است. البته در سؤال کنکور این عبارات بدون حرکت گذاری آمده است و ما باید از ساختار عبارات به نوع کلمات پی ببریم.

السؤال

۱۰۵- عَيَّنَ الْجُمْلَةَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ مَا جَاءَ بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ:

(أ) عَدَمٌ وَجُودِ الضُّوءِ. (الظلام)

(ب) طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ. (الحِرْبَاءُ)

(ج) حَيَوَانٌ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ. (الْفَرَسُ)

(د) طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ. (الْغُرَابُ)

الجواب

السؤال

۱۰۶- مَيِّزَ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

« تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ. »

(أ) آفتاب پرست می تواند چشمانش را در یک زمان به دو سمت بچرخاند.

(ب) آفتاب پرست با إرادة، چشمانش را در یک زمان به دو سمت می چرخاند.

(ج) آفتاب پرست، با چرخاندن چشمانش در یک زمان دو سمت را اداره می کند.

(د) آفتاب پرستی که چشمانش را اداره می کند در یک زمان به دو سمت می چرخد.

الجواب

« أَلْبَحَثُ الْعِلْمِيُّ » « عَجَائِبُ خَلْقِ اللَّهِ »

لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْكَثِيرَ مِنَ الْمَخْلُوقَاتِ الْغَرِيبَةِ وَالْعَجِيبَةِ، وَ يَكْتَشِفُ الْعُلَمَاءُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَجَائِبَ خَلْقِ اللَّهِ سِوَاءَ مَنْ مَخْلُوقَاتٍ جَدِيدَةٍ أَوْ مَخْلُوقَاتٍ قَدِيمَةٍ مَاتَتْ وَ انْقَرَضَتْ مُنْذُ آلَافٍ أَوْ مَلَائِينَ السِّنِينَ وَ لَكِنَّهَا تُسَبَّبُ الْحِيرَةُ لِلْعُلَمَاءِ. الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ أَحَدُ عَجَائِبِ خَلْقِ اللَّهِ.

إِنَّ الذَّبَّ الْقُطْبِيَّ هُوَ أَحَدُ الْحَيَوَانَاتِ الْمَشْهُورَةِ بِقُدْرَتِهَا عَلَى تَحْمَلِ الْبَرْدِ حَيْثُ خَلَقَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى مُمَيَّزَاتٍ تَجْعَلُهُ يَتَكَيَّفُ مَعَ الْبَيْئَةِ الْمُحِيطَةِ بِهِ بِشَكْلِ كَبِيرٍ، إِذْ إِنَّ لِلذَّبِّ الْقُطْبِيِّ قُرُوءاً سَمِيكاً ذُو لَوْنٍ أَبْيَضٍ جَمِيلٍ، وَيَمْلِكُ طَبَقَةً دُهُونٍ سَمِيكَةٍ تَحْتَ جَلْدِهِ تَحْمِيهِ مِنَ الْبَرْدِ الْقَارِصِ.

وَ مِنْ عَجَائِبِ خَلْقِ اللَّهِ أَنَّ الذَّبَّ الْقُطْبِيَّ يَتَمَتَّعُ بِحَاسَّةٍ شَمِّ قَوِيَّةٍ تُمَكِّنُهُ مِنْ شَمِّ رَائِحَةٍ فَرِيسَتِهِ مِنْ مَسَافَاتٍ بَعِيدَةٍ، كَمَا يَسْتَطِيعُ اشْتِمَامَ رَائِحَةِ الْأَشْخَاصِ الْغَرِيبِينَ وَ يَبْتَغِدُ عَنْهُمْ قُورَ اشْتِمَامٍ لِرَائِحَتِهِمْ لِيَحْمِي نَفْسَهُ.

يَمْلِكُ الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ أَسْنَاناً وَ مَخَالِبَ قَوِيَّةً تُعْطِيهِ الْقُدْرَةَ عَلَى الْاِفْتِرَاسِ بِشَكْلِ سَهْلٍ، إِنَّ مَهْمَةً أُثْنَى الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ هِيَ إِنْجَابُ الْأَطْفَالِ وَ رِعَايَتُهُمْ كَمَا مِنْ وَاجِبَاتِهَا حَفْرُ مَنْزِلٍ لِيَعِيشَ فِيهِ الْعَائِلَةُ تَحْتَ الْأَرْضِ وَ يَبْلُغُ قِيَاسُ قَطْرِ الْحُفْرَةِ إِلَى تَحْفَرِهَا حَوَالِي مِتْرَيْنِ تَقْرِيْباً.

الْمُعْجَمُ:

مَاتَتْ: مُرِد الْمَخَالِبُ: چنگالها ج المخلَب المُمَيَّزَاتُ: ویژگی ها مُنْذُ: از زمان المُهْمَةُ: مأموریت يَبْلُغُ: می رسد يَتَكَيَّفُ: سازگاری پیدا می کند يَتَمَتَّعُ: بهره می برد يَحْمِي: حمایت می کند	الحَفْرُ: کندن الحُفْرَةُ: چاله حَيْثُ: از آنجایی که الْجِلْدُ: پوست الدُّهُونُ السَّمِيكَةُ: روغنهای انبوه رائحة فَرِيسَةٍ: بوی شکار الرَّعَايَةُ: مراقبت العَائِلَةُ: خانواده الْقُرُوءُ السَّمِيكُ: پوست ضخیم	الْأَسْنَانُ: دندانها ج السِّنُّ الاشْتِمَامُ: استشمام الافتِرَاسُ: شکار، دریدن أُثْنَى الذَّبِّ الْقُطْبِيِّ: خرس قطبی ماده إِنْجَابُ الْأَطْفَالِ: تربیت بچه ها انْقَرَضَتْ: منقرض شد الْبَرْدُ الْقَارِصُ: سرمای گزنده الْبَيْئَةُ: محیط حَاسَّةٌ شَمِّ: حس بویایی
--	--	---

إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ:

عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ.

أ) الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ الَّتِي يَتَحَمَّلُ الْبَرْدَ الشَّدِيدَ.

ب) لَا يَسْتَطِيعُ الذَّبُّ اشْتِمَامَ رَائِحَةٍ قَرِيسَتِهِ مِنْ الْمَسَافَةِ الْبَعِيدَةِ.

ج) لِلذَّبِّ طَبَقَةٌ دُهُونٍ سَمِيكَةٍ تَحْتَ جَلْدِهِ تَحْمِيهِ مِنَ الْبَرْدِ الْقَارِصِ.

عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ: (الفاعل، المفعول، المبتدأ، الخبر، الصِّفَةُ وَ مضاف إليه)

أ) الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ أَحَدُ عَجَائِبِ خَلْقِ اللَّهِ.

ب) يَمْلِكُ الذَّبُّ الْقُطْبِيُّ أَسْنَاناً وَ مَخَالِبَ قَوِيَّةً تُعْطِيهِ الْقُدْرَةَ عَلَى الْاِفْتِرَاسِ بِشَكْلِ سَهْلٍ.

@arabic_yazdahom

دانلود از اپلیکیشن (پ) آدرس کانال عربی دهم تا کنکور